

خبرنامه رسمی ای اف تی گری کریگ

۹ فروردین ۱۳۹۷، ۲۹ مارس ۲۰۱۸



ای اف تی رسمی

اپتیمال ای اف تی (درمانگر نادیده)

نکات - فوت و فن ها - مطالب جدید و بیشتر

توجه: این خبرنامه با اجازه گری کریگ ترجمه شده است. هر ترجمه دیگری از هر یک از مطالب ایشان بدون اجازه و نقض حق مالکیت معنوی نویسنده به حساب می آید. کسانی که ادعای استادی عرفان و معنویت را دارند و کتابهای او را بدون اجازه و ناقص منتشر می کنند و دوره هایی را که گری کریگ صریحا نهی کرده است برگزار می نمایند بهتر است به فکر آخرت خود باشند. حذف اسامی "درمانگر نادیده" و "اپتیمال ای اف تی" از عنوان دوره و تاکید بر "دوره ای در معجزات" هیچ تغییری در ماهیت قضیه نمی دهد و صرفا حاکی از پنهان کاری مدعیان استادی است. گری کریگ از اقدامات بی اجازه این افراد به خوبی خبر دارد و به هیچ وجه راضی نیست.

توجه داشته باشید که هیچ کسی در دنیا استاد اپتیمال ای اف تی (درمانگر نادیده) نیست و هیچ

کسی اجازه ندارد بر پایه این مفاهیم دوره‌ای را درس دهد.

اگر کوچکترین تردیدی در صحت موارد فوق دارید از طریق [این لینک](#) می‌توانید

مستقیماً از گری کریگ بپرسید.

ترجمه فرهاد فروغمند www.EFT.ir [@FarhadForughmand](https://twitter.com/FarhadForughmand) [@GaryCraig](https://twitter.com/GaryCraig)

[کانال خبرنامه رسمی ای اف تی گری کریگ](#)

[لینک‌های محبوب: کتاب درمانگر نادیده](#) | [عضویت در دوره اپتیمال ای اف تی](#) | [مدرک کامل ای اف تی](#) |

[راهنمای ای اف تی استاندارد طلایی](#) | [کاربران رسمی ای اف تی](#) | [بازخورد](#)

~~~~~

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر به [وبسایت رسمی مراکز آموزشی گری کریگ](#) مراجعه کنید.

~~~~~

فهرست

برای همگان:

- جمله قصار امروز
- جورج دومروز راجع به درمانگر نادیده و بیماری لایم می‌پرسد
- توصیه ژاوی سانتوز برای کار با درمانگر نادیده در گروه‌های تمرینی
- تجربه معنوی جین هاپینسون

- آیا درمانگر نادیده عروسک خرگوش ژول کوچولو را پیدا کرد؟
- کمک بیشتری نیاز دارید؟

برای اعضای دوره اپتیمال ای اف تی

- وینار بعدی ما - مهمان ویژه، سوزان گیزمن
 - گروههای تمرینی مشهور می شوند
 - کالین اسکات راجع به تمرین، گروهها و شفا می گوید
- ~~~~~

جمله قصار امروز: مهربان باشید... چون هر کسی را که می بینید به نوعی در حال جنگ برای چیزی است که شما اصلا از آن خبر ندارید.

~~~~~

**جورگ دومروز راجع به درمانگر نادیده و بیماری لایم می پرسد**

**سوال:**

سلام گری،

مدتی است که ای اف تی انجام می دهم و موفقیت های خیلی خوبی هم داشته ام. متشکرم!!!

سه هفته پیش تشخیص دادند که به بیماری لایم (مرحله آخر) مبتلا شده ام (آزمایش خون نشان داد که آن باکتریهای کثیف در خونم وجود دارند). هرچند که کاملا قبول دارم که احساسات معمولا ریشه همه بیماریها هستند ولی به سختی می توانم آن را به این بیماری دشوار مربوط نمایم. در نتیجه نمی دانم چگونه از روش تو استفاده کنم.

مطالعه کتاب درمانگر نادیده را به تازگی تمام کرده‌ام. آیا فکر می‌کنی برای بیماری باکتریایی سخت و سمجی همچون لایم هم می‌تواند موثر باشد؟ خیلی مایلیم نظرات و توصیه‌هایت را بدانم.

باز هم به خاطر ای‌اف‌تی... و احتمالاً برای درمانگر نادیده از تو تشکر می‌کنم هرچند که هنوز با بکارگیری درمانگر نادیده مشکل دارم.

با صمیمانه‌ترین احترامات، جورج دومروز

**جواب:**

سلام جورج،

توجه داشته باش که من پزشک نیستم و هیچ آموزش پزشکی هم ندیده‌ام. افراد زیادی توسط آن "باکتری کثیف" مبتلا شده ولی به هیچ علامتی دچار نگشته‌اند. مثلاً در محیطی که زندگی می‌کنم علفهای بلندی وجود دارند و بسیاری افراد به خاطر آنها دچار مشکلاتی شده‌اند. ولی بیماری لایم در اینجا چندان متداول نیست.

چرا؟

عقل سلیم، حداقل به من، می‌گوید که دستگاه ایمنی، در وضعیتی مشابه برای اکثر بیماریها، در حال کار است. دستگاه ایمنی سالم از عهده ورود باکتری به بدن برمی‌آید ولی دستگاهی که به صورت بهینه کار نمی‌کند شاید نتواند.

هدف اصلی از کار با ای‌اف‌تی سبک کردن بار دستگاه ایمنی از طریق کاستن از بارهای احساسی (خشم، ترس، گناه، نفرت، خاطره ناگوار و غیره) که با خود داریم و منابع دستگاه ایمنی را مصرف می‌کنند است. اگر بارهای احساسی کمتر شوند دستگاه ایمنی راحت‌تر می‌تواند به ترمیم جسم بپردازد. این شامل کار بر روی همه بیماریها و از جمله بیماری لایم می‌شود.

کتاب درمانگر نادیده احتمالا شروع خوبی برای می باشد چون از قدرت قلمروی معنوی برای شفا استفاده می کند. اما ماهیتی مقدماتی دارد و لذا اگر توانایی مالی داری بهتر است به [اعضای دوره اپتیمال ای اف تی](#) بپیوندی. در اینجا است که مهارت هایمان را به سطحی فراتر از کتاب می رسانیم و از نردبام معجزات بالا می رویم.

به تو علاقه دارم، گری

~~~~~

توصیه ژاوی سانتوز برای کار با درمانگر نادیده در گروه های تمرینی

گری عزیز،

می خواهم دو ابزار مهم را که در گروه اپتیمال ای اف تی بکار می برم در اینجا معرفی نمایم. تا دیروز که با گروه بین المللی درمانگر نادیده کار می کردم نمی دانستم که اینها چقدر قوی هستند. شاید دلیل اطلاع نداشتن من از قدرت آنها این بوده است که به نظرم چیزهایی عادی می آمدند. اما دیروز مرا به حیرت افکندند و لذا به این فکر افتادم که شاید عادی نباشند.

۱- اولین کاری که در گروه می کنم این است که به افرادی که با من هستند می گویم: "از همه شما که به

اینجا آمده اید و می خواهید زیباترین حالت ممکن عشق را به اشتراک بگذارید متشکرم."

دستم را به سوی فردی که در سمت راستم قرار دارد دراز می کنم و دست کسی را که در سمت چپم است می گیرم.

بدین ترتیب حلقه ای تشکیل می دهیم و همگی یکی می شویم.

هر یک از ما عاشقانه ترین تشعشع را از قلبمان به مرکز حلقه می فرستیم. بدین ترتیب انفجار بزرگی از عشق ما را به حالت جدیدی از آگاهی که درمانگر نادیده هم در آن است می برد و او با بالهایش همچون

چتری ما را می‌پوشاند. عشقش را به سوی ما می‌فرستد و راهنمایی‌هایش از سر ما وارد می‌شوند و تا پاهایمان می‌روند. جسممان هم با قویترین حالت عشق به ارتعاش درمی‌آید.

نام این حالت را "پناهنده شدن به عشق درمانگر نادیده" گذاشته‌ام.

رسیدن به این حالت خیلی برایم مهم است و هر صبحگاه به عشق درمانگر نادیده پناهنده می‌شوم تا تمام روز را در حالت عشق به سر برم. لابد ماجرای آگوستین را که قبلاً شرح دادم و در آن "عشق را در پوستم" دیدیم به یاد می‌آوری.

این مثال ساده، حداقل در گروه من، به مردم کمک می‌کند که احساس نمایند تمام روز در پناه درمانگر نادیده هستند و بدین ترتیب امنیت بیشتری دارند.

وقایع خاص خودمان و کسانی را که می‌خواهیم بر رویشان کار کنیم در هر جلسه در وسط حلقه می‌گذاریم.

قبل از خواب هم این تمرین را انجام می‌دهم و تصور می‌کنم که خودم و همکارانم حلقه‌ای تشکیل داده‌ایم. سپس از درمانگر نادیده می‌خواهم که در طول شب به هر شکلی که فکر می‌کند برایم مناسب است بر رویم کار کند.

۲- قبل از پایان جلسه گروهی همگی می‌ایستیم و از درمانگر نادیده به خاطر کار، عشق و محافظت‌ش تشکر می‌کنیم.

لطفاً اگر این متن را مفید می‌دانی آن را در اختیار شاگردانت بگذار.

با علاقه بسیار، ژاوی

~~~~~

**تجربه معنوی جین هاچینسون**

## مقدمه:

تجربه جین هاچینسون را در مورد واقعیت معنوی نهایی ما ذیلا می خوانید. وی می گوید "اگر بخواهی می توانی بیایی و او هم آمد. یگراست وارد بدنم شد. احساس عشق به قدری شدید بود که خصوصا در ناحیه چاکرای خورشیدی و استخوان سینه‌ام می توانستم آن را حس کنم. سپس احساس کردم که خیلی بزرگتر شده‌ام. عریض تر، بلندتر و عظیم تر شده بودم. احساسات جالبی داشتم."

## ماجرای جین:

سه شنبه ششم دسامبر ۲۰۱۱

حدود ساعت ۳:۲۰ روی صندلی راحتی دراز کشیدم و خوابم برد. حدود ساعت ۳:۴۵ بیدار شدم. بی صدا دراز کشیده بودم. سپس این نور سفید و خالص را که به حبابی می ماند دیدم. نور اطراف حباب را کاملا روشن کرده بود. حباب به سمت صورتم آمد و می توانستم کسی را که لباس سفیدی بر تن و کمر بند و بند شلوار هم داشت بینم. بینی مرا لمس نمود و سپس بازگشت.

یک بار دیگر هم آمد و ظاهرا به صورتم نزدیک شد و بعد باز هم برگشت. دفعه سوم هم آمد و به صورتم نزدیکتر شد. گفتم اگر بخواهی می توانی بیایی و او هم آمد. یگراست وارد بدنم شد. احساس عشق به قدری شدید بود که خصوصا در ناحیه چاکرای خورشیدی و استخوان سینه‌ام می توانستم آن را حس کنم. سپس احساس کردم که خیلی بزرگتر شده‌ام. عریض تر، بلندتر و عظیم تر شده بودم. احساسات جالبی داشتم.

بعد به اندازه معمولی‌ام برگشتم و پسر کوچکی را کنارم دیدم. شبیه همان پسرکی که در داستان چارلز دیکنز بود و کلاهی بر سر داشت و کتش تا زیر زانویش می رسید. معلول و لاغر بود و به نظر می رسید رو به موت است. یک جفت عصای دست‌ساز هم کنارش روی زمین بود.

خم شدم و لمسش کردم و بلافاصله شفا یافت. پسر بچه‌ای معمولی با موهای بور. خیلی هیجان داشت. همان نور سفید به او گفته بود که باید چیزی به من بدهد و لذا با هم تبادل انرژی نمودیم. فقط چند ترکه بر روی زمین پیدا کرد و همانها را برداشت و به من داد.

سپس به سوی درخت صنوبر بزرگی که پر از تزئینات و با نور پوشانده شده بود برگشتم. جالب بود.

آن موجود سپس گفت که من باید تبادل انرژی کنم و به همگان عشق بدهم. من نیز پذیرفتم. برای این کار باید روی زانوانم می‌ایستادم. خیلی موثر بود.

با حالت عجیبی که در قفسه سینه‌ام داشتم، و ۲ تا ۲,۵ ساعت طول کشید و به تدریج کاهش یافت، از آن وضعیت بازگشتم. سرخوشی‌ام در حدی معمولی نبود. نمی‌توانم احساسم را در قالب کلمات بیاورم و فقط می‌توانم بگویم که حالم خوب بود. از آنجایی که خسته بودم زود به بستر رفتم و امیدوار بودم که مرحله بعدی در خواب به وقوع بپیوندد.

همراه با بهترین آرزوها، جین هاجینسون

~~~~~

آیا درمانگر نادیده عروسک خرگوش ژول کوچولو را پیدا کرد؟

در اپتیمال ای‌اف‌تی بر توانایی‌های درمانگر نادیده تکیه می‌کنیم تا آرامش و شفا را برایمان به ارمغان آورد. ولی این تنها کاری نیست که او می‌تواند بکند. مثلاً یک بار از او خواستم که مرا در یافتن سوئیچ خودرویم یاری دهد و ظرف یک دقیقه آن را پیدا نمودم.

این مقاله را فرانسواز واش (از فرانسه) نوشته است و مثال دیگری از یافتن یک شی گم شده ... عروسک خرگوش نوه‌اش (دد کوچولو) ... را شرح می‌دهد. آیا این کار را واقعا درمانگر نادیده انجام داد یا صرفا حاصل تصادف بود؟ ماجرا از این قرار است.

~~~~~

سلام گری

چند هفته پیش تجربه بامزه‌ای از کار با درمانگر نادیده نصیبم شد که می‌خواهم آن را با تو در میان بگذارم (شاید هم همان طور که خیلیها می‌گویند فقط "یک تصادف" یا "یک معجزه بامزه" بوده باشد). نوهام ژول فقط ۶ سال دارد. می‌دانم که ای‌اف‌تی بر روی کودکان نتایج عالی به دست می‌دهد. ولی آیا اپتیمال ای‌اف‌تی برای بچه‌ها از آن هم آسانتر است؟ آیا راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند؟ آیا ما به عنوان والدین نتایج بهتری از آن می‌گیریم؟ حتما همین طور است و لذا آنها واقعا خواهند توانست دنیا را عوض کنند.

در پارک تفریحی شهرمان ۴۵ دقیقه سوار قطار بودیم و بعد فهمیدیم که خرگوش عروسکی (دد کوچولو) گم شده است. فکر کردم وقتی داشتیم سوار قطار می‌شدیم آن را گم کردیم.

هر چند که به ژول گفتم که باید به جایی که سوار شدیم برگردیم (۵ تا ۷ دقیقه طول کشید) ولی مطمئن بودم که آن را نخواهیم یافت. آنجا یک پارک تفریحی است و افراد زیادی در آن قدم می‌زنند. با این وجود به او گفتم که حواسش به همه گوشه و کنارها باشد چون شاید کسی آن را در جایی گذاشته باشد. نهایتا هم اظهار داشتیم که بهتر است از درمانگر نادیده بخواهیم که با نور زیبایش و "ستاره‌های درخشانی که در آسمان دارد" و با نفس‌هایش ما را یاری دهد. نوهام با ای‌اف‌تی ضربه‌ای و اپتیمال ای‌اف‌تی آشنا است. یعنی خیلی سریع و راحت آنها را باور کرده است. (ایمان واقعی!) همان طور که قبلا هم گفتم یافتن آن غیرممکن بود و من فقط می‌-

خواستم او ناراحت نشود. دو سال پیش هم اتفاق مشابهی افتاده بود و موفق نشده بودیم. ولی آن موقع به عقم نرسیده بود که از ای‌افتی استفاده نمایم.

پنج دقیقه بعد مادر و کودکی را دیدیم که خرگوش عروسکی کوچکی را در دست گرفته بودند. "دد کوچولو" بود. دخترک "آن چیز" را کناری گذاشت.

به ژول گفتم "می‌توانی آن را ببینی؟ دد کوچولو آنجاست! بیا از درمانگر نادیده تشکر کنیم!" خیلی خوشحال شد. من هم همین‌طور. فقط می‌توان نام "معجزه" را بر روند اتفاقات گذاشت.

با کتابها و کارگاه‌های خیلی سعی کرده‌ام که ای‌افتی را به کودکان یاد دهم. با آنچه که در مقاله "یک الزام برای بچه‌ها" نوشته‌ای کاملاً موافقم و ترجمه آن را هم در وبسایت و کتابم آورده‌ام.

همراه با عشق و تشکر بی‌نهایت، فرانسواز

~~~~~

کمک بیشتری نیاز دارید؟

۱. [کتاب رایگان درمانگر نادیده](#) را بخوانید تا درک بهتری از آخرین پیشرفت ما یعنی اپتیمال ای‌افتی بیابید.

۲. عضو [دوره اپتیمال ای‌افتی](#) ما که مخصوص افراد حرفه‌ای و شاگردان بانگیزه است شوید. خودم درس می‌دهم. کارهای عمیقی انجام می‌دهیم. اعتبار دارد. دنیا را تحت تاثیر قرار دهید.

۳. از طریق برنامه ارائه [مدرک کامل ای‌افتی](#) که در سطح بالایی برگزار می‌کنیم مدرک بگیرید. وارد گروه برتر افراد حرفه‌ای و موثر در شفابخشی شوید.

۴. با یکی از افراد بسیار آموزش دیده و دارای مدرک ما تماس بگیرید. [کاربران رسمی ای اف تی](#).
۵. برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با [مراکز آموزشی رسمی ای اف تی گری کریگ](#) تماس بگیرید.

~~~~~

### برای اعضای دوره اپتیمال ای اف تی:

(فرصتی غیر رایگان برای افراد حرفه‌ای و شاگردان بانگیزه)

#### جزئیات و قیمت‌های عضویت

**وبینار بعدی ما: مهمان ویژه: سوزان گیزمن:** در ساعت ۱۰ صبح (به وقت غرب امریکا) روز یکشنبه ۸ آوریل ۲۰۱۸ برگزار می‌شود. حتما در آن شرکت کنید چون سوزان گیزمن مهمان ویژه ما است. سوزان به توانایی مهمی در دستیابی به "سوی دیگر" رسیده است و تجربیات و روشهای بسیار باارزشی برای ما دارد. فعلا و تا زمان آغاز وبینار هم توصیه می‌کنم کتاب جالب [پیامهای امیدواری](#) را بخوانید.

~~~~~

گروههای تمرینی مشهور می‌شوند:

چند گروه تمرینی برای اعضای دوره اپتیمال ای اف تی تشکیل شده‌اند و افراد زیادی به نتایج بهتری رسیده‌اند. شخصا در برخی از آنها حضور خواهم یافت و درباره کارهایی که در آنها انجام می‌دهید نظر خواهم داد. برای پیوستن به گروههای موجود یا تشکیل گروه خودتان به حساب کاربری دوره اپتیمال ای اف تی وارد شوید و در بالای منو روی گروههای تمرینی کلیک کنید.

برای این که بدانید گروهها چقدر مفید هستند مقاله کالین اسکات را که در زیر می‌آید بخوانید.

~~~~~

## کالین اسکات راجع به تمرین، گروهها و شفا می گوید

سلام گری

قبل از هر چیز باید بر اهمیت مراقبه روزانه در رشد و گسترش توانایی کار افراد با درمانگر نادیده تاکید کنم. هر چند که دلایل متعددی برای این امر سراغ دارم ولی حدس می‌زنم مهمترین آنها این باشد که مراقبه روزانه به ما می‌آموزد که مدت طولانی تری ذهنمان را خالی نگه داریم. هر چه باشد ذهن خالی بهتر می‌تواند بشنود!

تمرین با دیگران در گروه راهی عالی برای افزایش توانایی ما در برقراری ارتباط با درمانگر نادیده است. با وجود این که اگر هر روز به تنهایی کار کنیم هم خیلی خوب است ولی کار جمعی خیلی قویتر است و اتفاقات جالبی هم در آن می‌افتند که باعث ارتباط موثرتر با درمانگر نادیده می‌شوند.

طرز کار گروه ما این طور است که یک نفر سوال یا مسأله‌اش را طرح می‌کند و هر یک از ما آن را به تنهایی نزد درمانگر نادیده می‌بریم. پس از سه دقیقه مراقبه هر یک از ما آنچه را که آموخته‌ایم بیان می‌داریم. هر چند که گهگاه یکی از پاسخها با سایر پاسخها تفاوت زیادی دارد ولی اغلب این طور است که پاسخهای اعضا به پرسش یا مسأله بسیار همگون و حتی هماهنگ هستند. شاید بدین ترتیب تفاوت میان توهم و هدایت بیشتر روشن شود: با کار گروهی به سرعت میان آنها تمایز گذاشته می‌گردد.

بدیهی است که کار در گروه برای کسی که سوالی را مطرح می‌کند خوب است. ولی برای سایرین نیز امتیازاتی دارد. حتی اگر سوال شما طرح نشود هم این روش را با دیگران به نحوی کار می‌کنید که حس کردن و آگاهی از وجود درمانگر نادیده برایتان اجتناب‌ناپذیر می‌شود. بدین ترتیب در کار یک نفره هم پیشرفت زیادی می‌نمایید.

فکر می‌کنم مواقعی که به تنهایی کار می‌کنید فرق میان توهم و هدایت خیلی مهم می‌شود. گاهی اوقات آنچه که نصیبتان می‌شود دقیقا به هدف می‌خورد! ولی در آن مواقع هم سوالاتی به ذهن می‌رسند: آیا حقیقت را می‌-

شنوم؟ واقعا درست است؟ یا صرفا همان چیزی است که می‌خواهم بشنوم؟

وقتی سوال را به شکل‌های مختلفی مطرح می‌نمایم و هر بار همان جواب را می‌گیرم نهایتاً به آنچه که می‌شنوم اعتماد می‌کنم. فکر می‌کنم مساله اصلی اعتماد است. همچنین "خواسته من در برابر خواسته او" نیز به نوعی مطرح می‌شود و لذا باید بدانیم که واقعا چه می‌خواهیم و آیا واقعا می‌دانیم که چه می‌خواهیم؟ و چه چیزی را حاضریم بپذیریم و تقاضای چه چیزی را داریم؟ اینها سوالات بزرگتری هستند و توان پاسخگویی به آنها را در اینجا ندارم.

-----

بالاخره با انجام تمرینی که در وبینار به ما دادی به آنچه که چند روز به دنبالش بودم رسیدم. به شکل‌های مختلف در جستجوی پاسخ به "برای پشتیبانی از شفای کاملم چه کار می‌توانم بکنم" بودم. همیشه هم به یک جواب که به نحوی به "صبر کن"، "این بخشی از یک فرایند است"، "ادامه بده، چیزی به پایانش نمانده است" و "حوصله داشته باش" مربوط می‌شد می‌رسیدم.

مدت زیادی است که به این گوش سپرده‌ام (حداقل یک سال است که این سوال را می‌پرسیده‌ام) و پس از این که به خاطر گفتگو با من از او تشکر کردم (همیشه می‌خواستم که در قالب کلمات با من حرف بزند) این بار از او خواستم که تصویری را نشانم دهد.

او نیز همین کار را کرد. تصویر دوندهایی بود که در خط آغاز بودند و با صدای شلیک مسابقه می‌دادند. بعد به سراغ یوتیوب رفتم و فیلم‌هایی از این دست را دیدم. شروع انفجاری و هیجان مسابقه و توان دوندگان نفس آدم را بند می‌آورد. قبلاً هرگز راجع به این موارد نیاندیشیده بودم.

جالب این بود که امروز (دوشنبه) نوبت من بود که چیزی را در گروه تمرینی مطرح نمایم. راجع به آن درپوشی که در جلسه به من گفته بودی حرف زدم (متشکرم، خیلی مهم است!) از وقتی که به آن اشاره کردی مشغول کار بر روی آن بودم. به اعضای گروه گفتم که می‌خواهم به کلی از این درپوش رها شوم و می‌خواهم بدانم که

درمانگر نادیده برای زدودن آن از من می‌خواهد که چه کاری را انجام دهم. دو چیز به شکل‌های مختلفی رو آمدند: (۱) وقتی احساس امنیت بکنی یعنی برطرف شده است و (۲) آماده‌ای؟

این هم جالب است – اواخر هفته گذشته به من گفته شد که حواسم به عید پاک باشد. این بود که انجیل را برداشتم تا ماجرای را که مورد قبول همگان است یک بار دیگر بخوانم. ولی آن ماجرا به آن راحتی که من می‌خواستم پیش نرفت. چند روز بعد موضوع را فهمیدم: حواست به روز رستاخیر باشد. این مفهومی بسیار بزرگتر از ماجرای عید پاک است.

همراه با عشق، کالین

به شما علاقه دارم، گری

[برای ارسال بازخورد اینجا را کلیک کنید](#)

© گری کریگ

تمامی حقوق محفوظ است